هو العلیم

تاثیر روح ولایت در جمادات

حضرت علامه آیة اللَه حاج سیّد محمّدحسین حسینی طهرانی

حضرت صادق علیه السّلام می فرمودند: سوگند به خدا در سوگ جدّم حسین آسمان گریست، مرغ ها گریستند، حیوانات گریستند، وحوش بیابان گریستند، فرشتگان گریستند.

علامه آیةاللَه حاج سیّد محمّدحسین حسینی طهرانی (قدس سره) در کتاب نفیس امام شناسى در خصوص اینکه روح ولایت در جمادات نیز اثر می کند، چنین می نویسند: مرحوم مجلسى نقل می کند از حضرت صادق علیه السّلام که می فرمود: سوگند به خدا در سوگ جدّم حسین آسمان گریست، مرغ ها گریستند، حیوانات گریستند، وحوش بیابان گریستند، فرشتگان گریستند. در سوگ جدّم حسین تا چهل روز آسمان خون گریست، زمین گریست، خورشید گریست. و گریه آسمان این بود که خورشید در سرخى طلوع می کرد و در سرخى غروب می نمود.

ابن شهرآشوب گوید: چون بنى اسد در روز دوازدهم محرّم آمدند که آن اجساد مطهرّه را دفن کنند، مرغان سفیدى را گرداگرد آن بدن هاى نازنین مشاهده نمودند.

مجلسى رضوان اللَه علیه از بعضى از مؤلفات اصحاب روایت مى ‌کند که: رُوى عن طریق أهل البیت: أنّه لمَّا استشهدَ الحسینُ علیه السلام بَقِىَ فى کربلا صَریعاً، و دمُهُ عَلى الأرضِ مَسفُوحاً، و إذاً بَطایرٍ أبیضُ قد أتَى وَ تَمسَّحَ بدَمِهِ؛ و جاءَ و الدَّمُ یقطُرُ منهُ. فَرأى طُیوراً تَحتَ الظِلالِ، عَلَى الغُصونِ و الأشجَار؛ و کلٌّ مِنهُم یذکرُ الحَبَّ و العَلَفَ و الماء.

فقال لهم ذلک الطَّیرُ المُتِلَطَّخُ بالدَّمِ: یا وَیلَکم! أ تشتغِلُونَ بالمَلاهِى، و ذِکرِ الدُّنیا و المَناهِى، و الحُسینُ فى أرضِ کربَلا فِى هذا الحَرِ مُلقَى عَلَى الرَمضَاء ظَامئٌ مَذبوحُ و دمهُ مَسفُوحٌ‌ فَعادَتِ الطیورُ، کلٌّ منهُم قاصداً کربَلا؛ فرأوا سَیدَنا الحُسینَ مُلقىً فى الأرضِ جُثَّةً بلا رأسِ، و لا غُسلٍ، و لا کفنٍ، قد سَفَّت عَلیهِ السَّوافِى، و بدنُهُ مَرضوصٌ، قد هَشَمَتهُ الخیلُ بحَوافِرها؛ زُوارُهُ وحوشُ القِفار، و نَدبتهُ جنُّ السهولِ و الأوعار قد أضاءَ التُرابُ من أنوارِهِ، و أزهَر الجَوُّ من أزهَارِهِ. فلمَّا رأتهُ الطیور، تَصایحنَ، و أعلَنَّ بالبکاءِ و الثبورِ و تواقعنَ علَى دَمهِ، یتمَرغنَ فیهِ، و طارَ کلُّ واحدٍ منهُم إلى ناحِیةٍ یعلمُ أهلهَا عَن قَتلِ أبِى‌عَبداللَه.

«از طریق أهل بیت روایت شده است که چون حضرت حسین بن على علیه السلام به شرف شهادت نائل شدند، بدن آن حضرت همین طور روى زمین کربلا افتاده بود و خون آن حضرت بر روى زمین ریخته و مشهود بود؛ تا آنکه یک مرغ پرنده سفید رنگى آمد و بدن خود را به خون آن حضرت مالید و در حالی که خون قطره قطره از بال هاى او مى ‌چکید به پرواز درآمد تا رسید به جائى که دید پرندگانى در زیر سایه ها، بر روى درخت ‌ها و شاخه ‌ها نغمه سرائى مى ‌کنند و با یکدیگر سخن از دانه و علف و آب دارند.

این مرغ به خون آلوده به آنها گفت: واى بر شما! آیا شما در این مکان خوش آب و هوا سرگرم خود هستید و از دنیا و لذائذ آن یاد مى ‌کنید، و حسین در زمین کربلا در این هواى گرم به روى ریگ ها و زمین تفته افتاده، او را تشنه کام سر بریدند، و خون او را به روى زمین ریختند؟

آن پرندگان همگى محل ‌هاى خوش آب و هواى خود را ترک گفته و به سوى کربلا به پرواز درآمدند؛ و دیدند که آقاى ما حسین علیه السلام بروى زمین افتاده جسمى است بدون سر، نه کسى او را غسل داده، و نه کفن نموده، بادهاى بیابان بر آن بدن‌ وزیده و گرد و غبار صحرا را بر آن پیکر نشانده، بدن در زیر سمّ ستوران درهم شکسته و خورد شده و استخوان ها کوبیده شده است.

زوّارش حیوانات وحشى بیابان ها هستند که در اطراف او گرد آمده‌ اند، و زارى کنندگان بر او طایفه جنّ که در بیابان هاى هموار و در گردنه‌ ها و درّه‌ها زندگى مى‌ کنند اما خاک تیره از نور آن حضرت روشن و منور شده، و جو و فضا از اشراقات او تابان و درخشان گردیده است.

چون آن پرندگان این منظره عجیب را دیدند، صداهاى خود را به صیحه و فغان بلند کردند، و آشکارا گریه و زارى سر دادند و خود را به خون هاى آن حضرت مالیده و در آن خون غلطه مى ‌خوردند، و سپس همه به پرواز درآمدند، و هر یک از آنان آهنگ ناحیه‌ اى را نموده که اهل آن را از شهادت حضرت ابى عبداللَه علیه السلام با خبر کنند.

## مضامین زیارت سید الشهداء علیه السلام در اول رجب‌

و در زیارتنامه آن حضرت در زیارت اول رجب مى‌ خوانیم: یا أبا عَبداللَه، اشهدُ لقَد اقشعرت لِدمائِکم أظلُّةُ العرشِ مع أظلَّةِ الخلائقِ و بَکتکمُ السماء و الأرضُ و سکانُ الجنانِ و البرُّ و البحرُ صلّى اللَه علیک عددَ ما فى عِلم اللَه، لبیک داعِىَ اللَه، إن کان لم یجبک بَدنى عند استغاثتِک، و لسانِى عند استِنصَارِک، فقَد اجابَک قلبى و سَمعى و بَصرى، سُبحانَ ربَّنا، أن کانَ وَعدُ ربّنا لَمفعُولًا.

«اى اباعبداللَه! من به شهادت سوگند یاد مى ‌کنم که به حقیقت و واقعیت، براى خون هاى پاک شما، طبقات ساکنین عرش خدا با طبقات آفریده شدگان بلرزه در آمدند و آسمان و زمین بر شما گریست، و ساکنین بهشت‌ ها و خشکى ‌ها و دریاها بگریستند.

درود خدا بر تو باد، درودى فراوان به اندازه وسعت و گنجایش تعداد آنچه در علم خدا مى ‌گنجد. بله بله! قبول کردم و پذیرفتم، اى دعوت کننده براه خدا! دعوى تو را لبّیک‌ گفتم، و نداى تو را با جان و دل پذیرفتم! اگر در آن روز بدنى نداشتم تا با آن استغاثه تو را اجابت کنم، و زبانى نداشتم تا استنصار تو را پذیرا شوم؛ لیکن امروز جان من و روح من و دل من و گوش من و چشم من استغاثه ات را پاسخ مى ‌گوید، و ندایت را مى‌پذیرد و اجابت مى‌ کند. پاک و منزه است پروردگار ما، و حقاً که میعاد پروردگار ما خواهد رسید بدین وعده گر جان فشانم رواست‌.»